

ستاره‌ای کمیاب در تاریخ کشور

عماد افروغ
جامعه‌شناس



رمز موفقیت و اقبال ملی مردم به شهید سلیمانی، تعلق ایشان به فرآیند انسجام در جامعه بود. فرآیند انسجام در علم جامعه‌شناسی، فرآیندی است که غالباً و عمدتاً در ارتباط با وحدت بین گروه‌ها و آحاد و اقشار مختلف تعریف می‌شود. انسجام، هم مؤلفه ثبات سیاسی دارد و هم مؤلفه هماهنگی ساختاری دارد و هم مؤلفه وحدت نمادین را با خود به همراه دارد. به‌طور خاص و بارز، شخصیت شهید سلیمانی را می‌توان در ارتباط با مؤلفه امنیت ملی، ثبات سیاسی و وحدت نمادین تعریف کرد،

چون برکسی پوشیده نیست که این شخصیت والا مقام در دفاع از ناموس ملی ما و مرزهای بین‌المللی کشور کم نگذاشتند و تا پای جان هم ایستادند. در مورد وحدت نمادین ملی هم شاخص ما این است که ایشان به هیچ جناحی تعلق نداشت و در نگاه او، به هیچ وجه ملاحظات جناحی و سلیقه‌ای و حتی ناشی از برخی تعبیر و تفسیرهای سطحی جایی نداشت، به همین دلیل شاهدیم این شهید بزرگوار در تمام عرصه‌هایی که مردم با مشکل مواجه هستند، حضور دارند. هنگام وقوع سیل در صف مقدم کمک به سیل زدگان یا هنگام وقوع زلزله و خلاصه هر جا که پای نیاز مردم وجود داشت، شهید سلیمانی به صورت فعالانه در صحنه حضور داشتند. در واقع با نگاه ملی و نועدوستی شهید و حضور در عرصه‌های مختلفی که پای مردم در میان است، متوجه می‌شویم که چرا مردم هنگام تشییع جنازه چنان استقبال بی نظیری از این شهید والا مقام به عمل آوردند، البته این استقبال در مراسم بعد از تشییع نیز دیده شد و اکنون که در سالگرد شهادت سردار قاسم سلیمانی هستیم هم می‌بینیم که عشق و علاقه مردم به مقام بالای ایشان بی‌اندازه و غیرقابل توصیف است. ما در کشورمان بشدت به چنین قهرمان‌هایی ملی نیاز داریم. در سال‌های اخیر متأسفانه، شرایط جامعه بنا به دلایلی به گونه‌ای شده که منازعات جناحی باعث شدند که کشور یکدست نباشد و برخی اهداف اصلی انقلاب اسلامی به حاشیه رانده شوند، این در حالی است که ستاره‌های درخشانی مانند شهید قاسم سلیمانی هزارچندگانه‌ی تنبهی بوده و تلنگر و تذکری برای سایرین هستند که باید این چنین بود، هم به لحاظ تحلیلی می‌توان جایگاه ایشان را تفهیم کرد و هم به لحاظ واقعی شخصیت‌هایی نظیر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در جامعه کم هستند و بشدت نیازمند این هستیم که چنین شخصیت‌هایی در جامعه بیشتر باشند.

محبوب و معتمد ایرانیان

محمدرضا باهنر

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام



امریکایی‌ها که به اعتراف صریح هیلاری کلinton در جریان رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا مبدع داعش بوده‌اند، به سراج ترور کسانی رفتند که مهم‌ترین نقش را در مبارزه با این گروه تروریستی داشتند و در حقیقت در خط مقدم جبهه علیه تروریست‌ها بودند. امریکایی‌ها جنایت خود را توسعه داده و سردار رشید قاسم سلیمانی و سرباز ولایت را هدف ترور کور خود قرار دادند. بدون تردید واهمه اصلی آنها از نقش آفرینی ایران در منطقه و تأثیرگذاری بی‌بدیل شهید سلیمانی بر

تحولات گفتمانی منطقه است و اینکه همه هزینه‌های امریکایی‌ها از عراق گرفته تا افغانستان، آورده مورد نظر آنها را همراه نداشت و در حقیقت دستاورد آنها از این همه هزینه یک نفرت پایان ناپذیر ملت‌ها از سیاست‌های مخرب امریکایی‌هاست. آنچه در نقطه مقابلش جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت قرار گرفته که حالا با امتحان‌های متعددی که پس داده‌اند محبوب قلب‌های مردمی شده‌اند. دونالد ترامپ اوج تروریست بودن خود را به رخ کشیده و نشان داده همه تبلیغات و ادعاهای واهی آنها برای مبارزه با تروریسم چیزی نیست جز پیشبرد سیاست‌های خصمانه کاخ سفید به قیمت خونریزی و آوارگی و تخریب زیرساخت‌های کشورهای مسلمان در منطقه. ترامپ شاید تصور کرده که با ترور فرمانده عزیز سپاه قدس، جریان مقاومت را از کار خواهد انداخت و نقطه پایانی خواهد گذاشت بر گفتمان ضد امریکایی در منطقه. غافل از اینکه حالا ملت‌ها با عیان شدن صحنه واقعی منطقه و جهان بیدارتر شده و دیگر فریب ادعاهای مبدعان و حامیان تروریست‌ها و بدخواهان کشورهای اسلامی را نخواهند خورد. سردار سلیمانی اگر چه نقش غیر قابل انکاری در رشد و تنومندسازی درخت مقاومت داشتند اما مسیری را هموار کرده‌اند که طی طریق در آن منحصر و محدود به افراد نیست.

بر اساس نظرسنجی‌های متعدد سردار سلیمانی چهره‌ای بود که اعتماد و دوستی ایرانیان با هر گرایش فکری و سیاسی را جلب کرده بود. مرد بی ادعایی که رسالت و وظیفه خود را تأمین منافع ملی و دفاع از مقاومت به دور از دعوای سیاسی و جناحی تشخیص داده بود و در مسیر سربازی ولایت و توانمندسازی ایران اسلامی سر از پا نمی‌شناخت. بی دلیل نیست که همه جناح‌های سیاسی اعم از اصلاح طلب و اصولگرا و اعتدالی و... او را می‌ستودند.

خون سلیمانی ابزار وحدت نه اختلاف

امیر محبیان

تحلیلگر سیاسی



همان طور که در طول تاریخ انقلاب اسلامی دیده‌ایم، خون پاک شهیدای بزرگی چون شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر... عملاً تحولات اجتماعی بزرگ و ظرفیت گسترده‌ای را به وجود آورده که جامعه را چند گام به پیش برده است. امروز هم خون پاک سردار شهید قاسم سلیمانی زمینه ساز چنین تحولی در ایران اسلامی و چه بسا منطقه خواهد بود. اما در این میان چند باید و نباید وجود دارد که باید به آن توجه کرد.

یکی از نیایدهای مهم این است که این خون باید ابزار وحدت باشد، نه وسیله اختلاف. هر کس تصور کند که با مصادره خون شهید سلیمانی خدمتی به او خواهد کرد، حتماً اشتباه می‌کند. چرا که خون شهید سلیمانی به عنوان یک قهرمان ملی و سرباز دین و میهن، امروز وسیله وحدتی شده که عملاً جامعه را گرد هم آورده است. این حقیقتی است که باید از سوی همگان مورد توجه قرار بگیرد.

راز محبوبیت عظیم سردار سلیمانی در ایران را باید در نگرش این شهید جست و جو کرد. نه تنها هر کس که با این سردار شهید آشنا بود، بر خلوص و پاکی او صحنه می‌گذارد، بلکه واقعیت دیگر این است که نگاه او سیاسی یا سیاست بازانه نبود. اگر اعتقادی داشت، صریحاً آن را بیان می‌کرد. همچنان که در زمینه مسائل اجتماعی نیز جامعه را بر اساس تقسیم‌بندی‌های مرسوم، مرزبندی نمی‌کرد. وقتی می‌بینیم همه اقشار جامعه به هر نحوی از او حمایت می‌کنند و یاد و نام او را پاس می‌دارند، این امر به این معنی است که هر کس در مقابل خداوند و مردم رفتاری خالصانه داشته باشد و کارهای او بر اساس نیت و اغراض دنیوی نباشد، خداوند هم به رفتار او برکت می‌دهد.

سردار شهید سلیمانی صرفاً یک چهره ملی نبود، بلکه یک چهره فراملی بود، چهره‌ای که در امت اسلامی به عنوان نماد مقاومت و نماد یک دیدگاه شناخته می‌شد. این نماد امروز هم باید به همین صورت باقی بماند. درست است که مردم ایران باید قدرشناس او باشند و در تاریخ هم ثبت کرده‌اند که قدرشناس هستند، در عین حال همه ملت‌هایی که به نحوی حاصل عملکرد ایشان را دیده‌اند نیز بر راه این شهید بزرگ صحنه گذاشتند. به ویژه وقتی ملت‌های منطقه دیده‌اند که داعش، خونخوارانه و براساس بربریت مردم را قتل عام می‌کرد، این مرد جلوی آنان ایستاد، قطعاً قدردان او هستند. ما باید این تصویر و این نماد را حفظ کنیم و مبادا با کوچک کردن این تصویر و این شخصیت، آن را خرد کنیم.

خون این شهید که هنوز خلوص و پاکی انقلاب را کاملاً با خود حمل می‌کرد، باید بتواند همان آرمان‌های سال‌های نخست انقلاب را زنده کند. مباحثی چون پاکی، دوری از دنیاگرایی، با فساد و شفافیت، آرمان‌هایی است که امروز باید به واسطه شهادت این سردار بار دیگر زنده و تازه شود. بویژه اینکه در سال‌های اخیر جامعه ما از این مسائل بسیار صدمه دیده است، به ویژه از این نظر که این آرمان‌ها تاحدی کمرنگ شده است. این خون پاک باید بار دیگر این آرمانگرایی را بازگرداند و ما باید فورا فضا را به گونه‌ای پیش ببریم که از این ظرفیت وحدت بخش میان اقشار مختلف، برای پیشبرد این آرمان‌ها استفاده کنیم؛ آرمان‌هایی که هم ملی و هم اعتقادی هستند و ربطی به بحث‌های جناحی و سیاسی ندارند.

ظرفیتی که خون شهید قاسم سلیمانی ایجاد کرد است، به خواست خدایم تواند ما را یک گام بزرگ به پیش ببرد و بسیاری از آلودگی‌هایی که در طول تاریخ به وجود آمده را حذف کند. البته به این شرط که ما نیز بتوانیم با درایت عمل کنیم و ما نیز به اندازه او در عملکرد خود خالص باشیم.

ایران

وبسایت
اولین
سالگرد
شهادت



۵

دی ماه
۱۳۹۹